

یک متن، دو نگاه

## خراسان بزرگ پس از نادر



- تاریخ احمدشاهی (تاریخ تشکیل اولین حکومت افغانستان)
- به تصحیح و تحشیه دکتر غلامحسین زرگری نژاد
- انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ۷۴۶ صفحه
- تاریخ احمدشاهی
- با مقدمه، تصحیح و فهارس دکتر محمدسرور مولایی،
- انتشارات عرفان، تهران، ۱۳۸۶، ۷۲۲ صفحه

### درآمد:

کتاب تاریخ احمدشاهی شرح زندگانی نخستین فرمانروای افغانستان، احمد خان ابدالی درآنی از زمان تلاش‌های اولیه وی در سپاه نادر برای رسیدن به قدرت تا زمان مرگ است، که به دستور خود او توسط محمود الحسینی ابن ابراهیم جامی به رشته‌ی تحریر کشیده شده است.

احمدخان در تلاش برای تثبیت حکومتش، با دو مشکل اساسی روبه‌رو بود: نخست عدم اطاعت خوانینی که پیشتر اغلب مقامی بالاتر از وی داشتند و دوم مشکلات مالی. ورود محصلان مالیاتی نادر که بی‌خبر از مرگ او، در راه رسیدن به دربار نادری به قندهار رسیده بودند، مشکلات مالی وی را حل کرد، او با طلاهای به دست آمده به نام خود سکه ضرب کرد، حقوق معوقه سپاهیان را پرداخت نمود و با محبوبیتی که در میان سپاه به دست آورده بود، راهی سرکوب خوانین طاغی شد. احمدخان نخست شورش خوانین حوزه قندهار را سرکوب کرد و توانست نورمحمدخان علیزائی<sup>۲</sup> را مطیع خویش سازد. وی سپس در تعقیب ناصرخان<sup>۳</sup>، توانست غزنین، کابل و پیشاور را تصرف کند، عدم مقاومت ناصرخان در برابر خان درآنی و فرار مداوم او از برابر سپاهیان، موجب شد تا راه رسیدن احمدخان به سوی لاهور نیز گشوده شود. احمدخان توانست لاهور را نیز متصرف شود و اکنون دهلی پیش روی وی قرار داشت.

هنگامی که نادرشاه افشار در ۱۱ جمادی‌الآخر ۱۱۶۰ در خیوشان به قتل رسید، سپاهیان که ترکیبی از تیره‌ها و طوایف گونه‌گون بودند، خزانه‌ی نادری را غارت کردند و در رقابت برای به دست گرفتن قدرت، هر یک به سویی گسیل شدند، در این میان افغانان سپاه نیز مستثنی نبودند.

احمدخان سدوزائی ابدالی که رئیس شاخه سدوزائی سپاه نادر بود و بعدها به درآنی شهرت یافت، در تاراج خزانه و حرم فرمانروای خویش، توانست الماس کوه نور را نصیب خود کند و سپس همراه سایر افغانان رهسپار قندهار گردد.

در شورایی که در رجب ۱۱۶۰ در نادرآباد قندهار تشکیل شد، احمدخان با وجود مخالفت‌ها و رقیبان سرسخت، به عنوان حاکم قندهار و رئیس خوانین افغان انتخاب گردید و تلاش‌های خود برای به دست گرفتن قدرت در ایران شرقی را آغاز کرد. مورخان افغان شبه قوربیتای نادرآباد<sup>۱</sup> را آغاز سلطنت سلسله درآنی می‌دانند.

سرانجام در دوم ربیع‌الاول سال ۱۱۸۶ پس از لشکرکشی‌های طولانی به شرق و غرب افغانستان بر اثر جذام درگذشت و در باغ روضه احمدشاهی در قندهار به خاک سپرده شد.

### درباره‌ی مؤلف:

اطلاعات ما درباره‌ی محمود الحسینی ابن ابراهیم جامی بسیار اندک است و محدود می‌شود به همان مختصری که وی در دیباچه‌ی کتابش آورده است، وی احتمالاً متولد تربت جام خراسان بوده است، و نه چنان که دوست مراد سید مرادوف در مقدمه‌ی خویش می‌نویسد اهل جام شیراز یا هرات.<sup>۴</sup>

چنان که از متن کتاب برمی‌آید، احمدخان درآنی پس از رسیدن به فرمانروایی، در صدد برمی‌آید تا مورخی برای ثبت وقایع دربارش استخدام کند، وی که در عداد سپاهیان نادر بوده است و شیوه‌ی کار میرزا مهدی خان استرآبادی مصنف کتاب تاریخ نادرشاهی را می‌پسندیده، محمدتقی خان شیرازی<sup>۵</sup> را مأمور می‌کند تا منشی سخن‌سنجی همچون استرآبادی برای ثبت وقایع دربار خان درآنی بیابد که وقایع را به «عبارات واضح، مبراً از اغراق و مضامین رنگین لایح خالی از اغلاق، بر صفحه بیان تواند نگاشت»<sup>۶</sup> منشی جامی از منشیان دربار نادری بوده و «مخدومی اوستادی میرزا مهدی خان استرآبادی»<sup>۷</sup> را کرده بود، اما «به سبب حوادث روزگار، گوشه‌نشینی و عزلت اختیار کرده، مشغول عبادت معبود حقیقی»<sup>۸</sup> شده بود، محمدتقی خان شیرازی در سال ۱۱۶۶ (یا ۱۱۶۷) پس از فتح مشهد، توسط سپاهیان احمدخان، به منشی جامی معرفی می‌شود و شیوه‌ی کار وی مقبول طبع احمدخان واقع می‌گردد. جالب این‌که منشی جامی که به شاگردی استرآبادی افتخار می‌کند، خود را برتر از استاد خویش می‌انگارد و از قول محمدتقی خان شیرازی می‌نویسد: «بلکه مطلب را ازو بهتر و رنگین‌تر می‌نویسد و در مدعانویسی یدیبضاء می‌نماید»<sup>۹</sup>.

منشی جامی احتمالاً تا زمان مرگ احمدخان در خدمت وی بوده و کتاب تاریخ احمدشاهی را اندکی پس از مرگ وی به پایان برده است، در انتهای کتاب مرثیه‌ای هست که به قلم محمداسماعیل فرزند منشی جامی نگاشته شده و می‌تواند شهادتی بر این مدعا باشد که منشی جامی اندکی پس از مرگ احمدخان دار فانی را وداع گفته است.

منشی جامی همانند بسیاری دیگر از مورخان درباری، هر فرصتی را برای مدح فرمانروای خویش مغتنم می‌شمارد و در بسیاری موارد از طریق معدلت خارج می‌شود و چاپلوسی و تملق چنان پیشه می‌کند که گاه مهوع و مضحک به نظر می‌رسد، به طور مثال در ذکر شکار رفتن احمدخان چنین می‌نگارد: «چون با کوبه عظمت و جاه بر ساحت نخجیر گاه سایه‌گستر گردید، وحوش و طیور آن وادی از فرط بهجت و شادی در پوست نمی‌گنجیدند و سرها به طریق نیاز پیش آورده، به ذوق قربان شدن دویدند»<sup>۱۰</sup>.

به همین طریق، مخالفان احمدخان را یا محکوم به ناسپاسی و نمک‌به‌حریمی می‌کند یا متهم به نادانی و نخوت. چنان که می‌نویسد: «چون تراکم بخار نخوت و نادانی، چراغ عقل و خرد علی محمدخان خوکیانی صوبه‌دار ملتان را در فانوس دماغ فرونشانیده بود، آن تیره‌بخت ابدی به مقتضای ضلالت و بی‌خردی، نسبت به طایفه جلیله سدوزی

## در شورایی که در رجب ۱۱۶۰ در نادرآباد قندهار تشکیل شد، احمدخان با وجود مخالفت‌ها و رقیبان سرسخت، به عنوان حاکم قندهار و رئیس خوانین افغان انتخاب گردید و تلاش‌های خود برای به دست گرفتن قدرت در ایران شرقی را آغاز کرد

در این زمان خبر رسید که سپاه محمدشاه گورکانی به فرماندهی احمدشاه پسر پادشاه گورکانی و قمرالدین وزیر، به قصد سرکوب وی عازم لاهور هستند، احمدخان که راه بازگشت نداشت، خود را برای مقابله با قوای هند آماده کرد، اما سپاه افغان به دلیل ناکارآمدی در استفاده از توپخانه شکست خورد و بر اساس منابع افغان، قرارداد صلح امضا شد و رود سند به عنوان مرز میان قلمرو حکومت احمدخان و محمدشاه تعیین گردید، خان درآنی نیز راهی قندهار شد.

پس از شکست احمدخان در لاهور، خبر رسید که عده‌ای از خوانین افغان در توطئه‌ای قصد دارند تا ضمن اظهار انقیاد به شاهرخ میرزای افشار، احمدخان را به قتل رسانند، خان درآنی که از این نقشه مطلع شده بود، توانست بر آنان پیشی جوید و در اطراف قندهار آنان را به قتل رساند.

در سال ۱۱۶۳، احمدخان که از یکسو از خطر مخالفان داخلی آسوده خاطر شده بود و از دیگر سوی اوضاع خراسان را آشفته می‌دید، در اندیشه شد تا شکست لاهور را در خراسان جبران کند و از همین روی روانه‌ی محاصره هرات شد، قوای مدافع شهر که گرفتار قحطی بودند، خیلی زود تسلیم سپاه خان درآنی شدند، هرات سقوط کرد و راه پیشروی به سوی مشهد گشوده شد، اما تصرف مشهد ناکام ماند و احمدخان راهی محاصره نیشابور گردید، محاصره این شهر نیز بی‌نتیجه بود و خان درآنی به ناچار به قندهار بازگشت و چند ماه بعد عازم لشکرکشی به هند شد و این بار توانست شکست پیشین خویش را جبران نماید.

در همین زمان (سال ۱۱۶۵) خبر رسید که قندهار توسط خان خانان تصرف شده است، به قندهار بازگشت تا مرکز حکومتش را از تصرف درآورد و پس از میان برداشتن خان خانان بار دیگر فرصتی برای لشکرکشی به هند یافت که این بار نیز با چند پیروزی نظامی همراه شد.

احمدخان دو بار دیگر در سال‌های ۱۱۶۷ و ۱۱۸۴ قصد تصرف خراسان را کرد، که هر دو بار چهار ماه محاصره‌ی مشهد به طول انجامید، بار نخست شکست خورد و دومین بار در حالی که نصرالله میرزا از در اطاعت درآمده بود، خان درآنی که می‌دانست ادامه حضورش موجب شکست وی خواهد شد، خراسان را ترک کرد. وی یک بار نیز در سال ۱۱۷۱، عازم هند شد و توانست بر دهلی غلبه یابد.

خان درآنی دو سال آخر زندگی خویش را با رنج بیماری سپری کرد و

## بسیاری از وقایع ثبت شده در تاریخ احمدشاهی، در هیچ اثر دیگری به چشم نمی‌خورد و در برخی موارد کتاب مزبور، منبع بسیاری از مورخان متأخر بوده است

اعتضادالسلطنه مؤلف کتاب وقایع و سوانح افغانستان بوده است که در کتاب خویش وقایع افغانستان را به ثبت رسانده‌اند.

۵- کتاب منشی جامی علاوه بر وقایع افغانستان، اطلاعاتی نیز درباره‌ی لشکرکشی‌های احمدخان به هند و خراسان دارد و برخی اطلاعات او درباره‌ی تاریخ آن عصر خراسان و هند و سران و خوانین آن دو سامان منحصر به فرد است، وی حتی اطلاعات بی‌نظیری از منازعات قدرت در خراسان ارائه می‌دهد و اخباری نیز درباره‌ی محمدحسن خان قاجار پدر آقامحمدخان ارائه می‌کند، گزارش‌های او درباره‌ی وقایع خراسان می‌تواند از این روی قابل توجه باشد که وی به عنوان ناظری خارجی به وقایع این سامان نگریسته است و هرچند بی‌طرف نبوده، اما می‌توان از میان نوشته‌هایش به برخی حقایق نائل آمد. به سخن دیگر، تاریخ احمدشاهی نه تنها تاریخ افغانستان، بلکه به گونه‌ای تاریخ بخش‌هایی از هند و ایران و به خصوص خراسان آن عصر است.

۶- کتاب منشی جامی منبع مهمی برای قوم‌شناسی خراسان است، وی درباره‌ی نسب خوانین خراسان و از جمله شهرهای مهمی مانند سبزوار، نیشابور، تون، طیس و قوچان، رقابت‌های آنان و تعارضاتشان با یکدیگر و همچنین نقش آنان در پیروزی‌های احمدخان در خراسان و ناکامی جانشینان نادر به خصوص شاهرخ میرزا، مطالب ارزشمندی در کتاب خویش آورده است. منشی جامی صریحاً دلیل سقوط هرات به دست احمدخان را جنگ داخلی می‌نویسد.

### ارزش ادبی کتاب:

در اوایل عهد قاجاریه، شاهد دوران بازگشت ادبی هستیم، اما رستاخیز ادبی پیشتر توسط میرزا مهدی خان استرآبادی آغاز شده بود، وی قبل از ظهور مکتب بازگشت، با فاصله گرفتن از سنت‌های تاریخ‌نویسی دوره‌ی مغول و صفوی، پایه‌گذار مکتب تاریخ‌نویسی روان در میان رهروان خود شد و با تألیف تاریخ جهانگشای نادری، الگویی در پیش روی منشیان و وقایع‌نگاران قرار داد.<sup>۱۳</sup>

۱- منشی جامی نیز از منشیان دربار نادری بوده و در سلک پیروان میرزا مهدی خان استرآبادی. وی به طور آشکارا در دیباچه کتابش می‌نویسد که قصد دارد به تقلید از تاریخ نادری، تاریخی به عبارات واضح و میرا از اغراق به رشته تحریر درآورد. پرواضح است که منشی جامی در تمام طول کتاب به روان‌نویسی پایبند بوده است، اما نثر او به

سکنه ملتان بی‌حرمتی کرده ...»<sup>۱۱</sup>

هرجا مخالفتی از سوی خوانین صورت می‌گیرد، به درستی توضیح داده نمی‌شود و هرجا شکستی دامنگیر احمدخان می‌شود، مقصر ضعف سرداران و توطئه‌ی مخالفان است و نه سوء تدابیر خان درآنی و بالعکس هر کجا، لیاقت و کاردانی از اطرافیان احمدخان دیده می‌شود، این لیاقت به خود وی نسبت داده می‌شود.

### اهمیت تاریخی کتاب:

۱- تاریخ احمدشاهی چنان که پیشتر نیز گفته شد، به دستور خود احمدخان به رشته تحریر درآمده است و تاریخ نخستین پادشاه سلسله درآنی است. این کتاب به مانند هر تاریخ فرمایشی دیگری، مرزهایی برای گفتن و ناگفتن دارد، باید‌ها و نباید‌هایی که تنها مختص این اثر نیست، اما منشی جامی همانند هر مورخ درباری دیگری این فرصت را داشته که شاهد عینی بسیاری از وقایعی باشد که به ثبت رسانده است، چنان که خود وی می‌نویسد: «محاربات و فتوحات خاقانی که ... همگی را به رأی‌العین مشاهده کرده‌ام، به قید تحریر و تسطیر می‌آورم و بر مقدماتی که خود اطلاع ندارم، از مردم صداقت‌کیش صحیح‌القول تحقیق نموده، در سلک تسوید می‌کشم.»<sup>۱۲</sup> و چنان که از همین جملات وی برمی‌آید، منشی جامی شاهد تمام ماجراهایی که ثبت کرده نبوده است و به گفته‌ی روایانی که به زعم او صادق بوده‌اند، مراجعه کرده است.

۲- از آنجایی که تاریخ احمدشاهی، تاریخ شخص احمدخان است و وی پیشتر دوران حکومت خویش را صرف لشکرکشی به هند و خراسان کرده است، طبعاً محتوای این کتاب در اکثر موارد شرح جزئیات جنگ‌های احمدخان درآنی است، از میان نوشته‌های منشی جامی چنین مستفاد می‌شود که انگیزه‌ی احمدخان همچون بسیاری از کشورگشایان دیگر، نه تنها گسترش قلمرو و به دست آوردن غنائم نیست، بلکه وی تنها انگیزه‌های مذهبی را دنبال می‌کند! احمدخان، در بسیاری از موارد، پس از فتح شهرها، حکومت آن‌ها را به حاکمان پیشینشان می‌سپرد که به عقیده‌ی منشی جامی نشان از جوانمردی وی دارد.

۳- در برخی موارد دیده می‌شود که به مقتضای احوال، منشی جامی به گوشه‌هایی از مسائل غیرنظامی زندگی احمدخان پرداخته است، به طور مثال خوی و خصلت صوفیانه‌ی احمدشاه که به تصریح مورخان، وی به مانند دیگر پادشاهان، تاج بر سر نگذاشت، بر تخت نشست و لباس شاهانه بر تن نکرد، علاقه‌اش به امور مذهبی و شرکت در جلسات علماء، ارادتش به حضرت ثامن‌الائمه، اقداماتش برای تزئین دربار امام هشتم، سرگرمی او در اوقات فراغتش که شکار بود، ازدواج‌های او، آشنایی‌اش با فنون شهرسازی و معماری و نظارت او بر ساخت بناها، مساجد، باغات و اشرف البلاد احمدشاهی و شرح بیماری و مرگ او و ...

۴- بسیاری از وقایع ثبت شده در تاریخ احمدشاهی، در هیچ اثر دیگری به چشم نمی‌خورد و در برخی موارد کتاب مزبور، منبع بسیاری از مورخان متأخری چون سلطان محمدخان درآنی نویسنده تاریخ سلطانی، کاتب هزاره صاحب کتاب سراج‌التواریخ و علی قلی خان

هیچ‌وجه به پایه‌ی نثر استادش نمی‌رسد و به هیچ‌عنوان از استحکام، صلابت و قوت ادبی نثر استرآبادی برخوردار نیست.

۲- منشی جامی در برخی موارد، نثر خویش را مزین به صناعات ادبی کرده و با سجع و توازن آمیخته است، این موارد به خصوص در خطابه‌ها، توصیف میادین جنگ و بهارانه‌های هر سال مشاهده می‌شود. به طور مثال در خطبه‌ی نوروزی سال هفتم سلطنت خاقانی، مطابق سنه ۱۱۶۶، چنین می‌نویسد: «در حینی که موکب همایون کوکب خدیو جم‌اقتدار، مانند ابر بهار، سایه‌گستر به الکای پیشاور بود، نیر نوربخش آفاق و فروغ‌افزای قصر نُطَاق، از منزل حوت به منظر حمل، قدوم سعادت ارزانی داشته، به اشاعت انوار جهان‌افروزی و آرایش بزم نوروزی پرداخته و نظر تربیت به پزمرده‌حالان عالم خاک انداخته، بی‌رگان باغستان روزگار را خلعت سرسبزی عطا فرموده، عساکر نشو و نما را به امداد ستم‌کشیدگان لشکر دی تعیین نموده، خان خانان چنار را که به تحریک هوای فسادافزای خزان پنجه‌تاول به خون لاله و گل، حنایی ساخته، قامت خودنمایی به بستان سرکشی و رعنائی افروخته بود، خون زاید به خنجر بید برگ از تن بیرون ریخت و بستان خان نارون را که به افروختن رنگ فتنه‌جویی و طرح کینه‌جویی تلاش سرخ‌رویی از برای خود می‌نمود، چون مستوفیان خابن به جرم کاغذبری، آب زندگانی به خاک آمیخت»<sup>۴</sup>.

۳- منشی جامی در متن تاریخ احمدشاهی در بسیاری موارد از آیات قرآن و احادیث سود جسته است. از این میان می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد: «هر ضرب که از گلوله توپ‌های کوه‌افکن به احجار حصار می‌رسید، مضمون «وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ»<sup>۵</sup> ظاهر می‌گردید و هر آوازی که از دهان زنبورک و جزایر سر می‌کشید، منطوق «يَجْعَلُونَ اَصَابِعَهُمْ فِي اِذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ»<sup>۶</sup> پرده گوش قلعلگیان می‌درید»<sup>۷</sup>.

۴- شعر در متن تاریخ احمدشاهی نقشی مهم ایفا می‌کند و در اکثر صفحات به چشم می‌خورد، تعداد ابیات در کتاب مزبور از هزار بیت تجاوز می‌کند، منشی جامی قصد داشته است برخی حوادث و وقایع را در قالب شعر بیان کند، این اشعار که غالباً سروده‌های شخص منشی جامی است، هرچند در اکثر موارد حاوی مضامین مهم تاریخی هستند، اما متأسفانه کمتر از ذوق هنری و استحکام ادبی برخوردارند. منشی جامی در باب تنبیه قوم بلوچ چنین سروده است:

به تنبیه و تأدیب قوم بلوچ      ز کابل کنون می‌نماییم کوچ  
به تأیید پروردگار جهان      جنییم با لشکر بی‌کران  
نماییم آهنگ میدان جنگ      بکوییم فرق عدو بی‌درنگ<sup>۸</sup>

### شیوه‌ی تصحیح کتاب:

کتاب تاریخ احمدشاهی دو بار با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:  
۱- تاریخ احمدشاهی (تاریخ تشکیل اولین حکومت افغانستان)، به تصحیح و تحشیه‌ی دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴  
۲- تاریخ احمدشاهی، با مقدمه، تصحیح و فهارس دکتر محمدسرور مولایی، انتشارات عرفان، تهران، ۱۳۸۶  
اساس کار هر دو مصحح، تنها نسخه‌ی کامل موجود کتاب متعلق به

انستیتوی شرق شناسی آکادمی علوم شوروی سابق بوده، که در سال ۱۹۷۴، توسط محقق روس دوست‌مراد سید مرادوف به صورت عکسی در مسکو به چاپ رسیده است.

چاپ نخست این کتاب به تصحیح دکتر زرگری‌نژاد، امتیازاتی دارد که در پی می‌آید:

- ویژگی بارز این تصحیح، انتقادی بودن آن است، ایشان در این چاپ انتقادی، افزون بر تصحیح اشتباهات سهوی کاتب نسخه و برخی خطاهای دیگر در کتابت کلمات و واژگان پارسی، با علامت‌گذاری برخی لغات دشوار و جداسازی کلمات بهم پیوسته، زمینه مطالعه روان‌تر را برای خوانندگان فراهم آورده‌اند.

- در برخی موارد که پیچیدگی عبارات نویسنده، دریافت جملات را برای خوانندگان دشوار می‌کرده است، ایشان کلمه مناسب یا فعل را در انتهای جملات عاری از آن در میان علامت [ ] (برای متمایز شدن افزوده‌های مصحح از متن اصلی)، افزوده‌اند.

- دکتر زرگری‌نژاد با بهره‌گیری از دانش کم‌نظیر خود در شناخت منابع این دوره، با ارجاع عمده‌ی مباحث و گزارش‌های منشی جامی در دیگر منابع، امکان مراجعه‌ی سریع به روایات سایر منابع و مطالعه‌ی تطبیقی گزارش‌ها را فراهم کرده‌اند.

- ایشان همچنین هر جا لزوم اطلاعات بیشتر درباره‌ی شخصیت‌ها و اماکن را احساس کرده‌اند، توضیحات خود را به صورت موجز در پاورقی آورده‌اند.

- از دیگر امتیازات این تصحیح، آوردن آدرس آیات، نمایه اشخاص، اماکن و اصطلاحات و همچنین معنای کلمات دشواری است که بدون آن‌ها، مطالعه‌ی کتاب برای خوانندگان، نیازمند مراجعه‌ی مداوم به فرهنگ لغات بود.

به نظر می‌رسد تصحیح انتقادی دکتر زرگری‌نژاد از تاریخ احمدشاهی، این کتاب را از هرگونه تصحیح مجدد، بی‌نیاز کرده باشد، اما مدیر انتشارات عرفان که قصد دارند آثار مربوط به تاریخ و ادب و فرهنگ کشور افغانستان را در ایران منتشر سازند و گویا در تلاشند که این مهم را تنها به کمک محققین و اساتید افغان انجام دهند، ویراستاری و تصحیح این اثر را به دکتر محمدسرور مولایی استاد دانشگاه بامیان که بیش از این در دانشگاه الزهرا حضور داشته سپرده‌اند که نگاهی کوتاه به کارنامه‌ی ایشان نشان می‌دهد که دکتر سرور مولایی بیشتر در

**زرگری‌نژاد در این چاپ انتقادی، افزون بر تصحیح اشتباهات سهوی کاتب نسخه و برخی خطاهای دیگر در کتابت کلمات و واژگان پارسی، با علامت‌گذاری برخی لغات دشوار و جداسازی کلمات بهم پیوسته، زمینه مطالعه روان‌تر را برای خوانندگان فراهم آورده‌است**

## هرچند پس از احمدخان درانی، قریب به دو قرن و نیم است که در ایران و افغانستان حاکمان سیاسی مستقل از یکدیگر حکومت می‌کنند، اما تاریخ این دو کشور هرگز جدای از یکدیگر نبوده است و ایران و افغانستان هنوز هم پیوندهای مشترک فرهنگی خویش را حفظ کرده‌اند

زمینه فرهنگ و ادب فعال بوده و (علاقه‌ی ایشان به ادبیات در مقدمه کتاب آشکار است)، اکثر تصحیحات ایشان نیز در زمینه‌ی ادبیات بوده است. تصحیح دکتر سرور مولایی دارای ویژگی‌هایی است که لازم به ذکر است:

- شرط انصاف این بود که دکتر سرور مولایی، در مقدمه‌ی مفصل خویش، اشاره‌ای به چاپ پیشین این کتاب با تصحیح دکتر زرگری نژاد می‌کردند، که متأسفانه چنین نشده است، تنها در شناسنامه‌ی کتاب، در صفحه‌ی نخست آن، اشاره‌ی کوتاهی به چاپ پیشین کتاب آمده است.

- صفحه‌بندی زیبا: پیش از هر چیز جلد گالینگور و زیبایی کتاب نظر هر بیننده‌ای را جلب می‌کند، زیبایی کتاب می‌تواند مزین هر کتابخانه‌ای باشد.

- فهرست موضوعی: دکتر سرور مولایی گزارش‌های کتاب را به صورت سالیانه فهرست‌بندی کرده و ذیل هر سال، وقایع را به صورت موضوعی آورده‌اند، هرچند عناوین ایشان، عناوین نوشته‌شده توسط منشی جامی نیست، اما این فهرست‌بندی، دسترسی به اطلاعات کتاب را بسیار سهل‌الوصول کرده است.

- اعلام و نمایه‌ها: اعلام این کتاب در هشت نمایه تنظیم شده است، ۱- آیات، احادیث و اقوال، ۲- اشعار و امثال و حکم، ۳- لغات و ترکیبات، ۴- جنگ‌افزارها، ۵- اصطلاحات دیوانی، نظامی، اداری، ۶- اقوام و طوایف و قبایل، ۷- اشخاص و کسان و نکات مربوط به آنان، ۸- مکان‌ها.

پرواضح است که مصحح کتاب، زحمت زیادی برای این اعلام کشیده‌اند، فهرست جنگ‌افزارها و اصطلاحات دیوانی، نظامی و اداری بسیار جالب است، اما خواندنی‌ترین بخش این نمایه، فهرست اشخاص و کسان است، که دکتر سرور مولایی با دقت و حوصله‌ای مثال‌زدنی، تمام نکات مربوط به افراد را به صورت توصیفی و با ذکر صفحه آورده‌اند و خوانندگان را از تورق بی‌پهوده و اتلاف وقت، آسوده‌خاطر کرده‌اند.

ممکن است نگارنده‌ی این سطور، در این اندیشه که آقای شریعتی افغانستانی (مدیر انتشارات عرفان) تعمداً در افغان بودن مصحح کتاب داشته‌اند، ره به خطا برده باشد، با این وجود لازم به یادآوری نیست که هرچند پس از احمدخان درانی، قریب به دو قرن و نیم است که

در ایران و افغانستان، حاکمان سیاسی مستقل از یکدیگر حکومت می‌کنند، اما تاریخ این دو کشور هرگز جدای از یکدیگر نبوده است و ایران و افغانستان هنوز هم پیوندهای مشترک فرهنگی خویش را حفظ کرده‌اند.

### پی‌نوشت‌ها:

۱ اقدام احمدخان در تشکیل شورای مزار شیر سرخ در نادرآباد، تقلیدی بود از تشکیل قوریلتای دشت مغان توسط نادر در ابعاد کوچک‌تر. در این مجلس، اغلب خوانین بر کنار نهادن نورمحمدخان علیزایی که تا آن زمان ریاست خوانین افغان را بر عهده داشت، اتفاق نظر داشتند، اما در مورد جانشین وی به توافق نرسیده بودند، در همان مجلس درویشی به نام صایر شاه خوشه گندمی بر عمامه احمدخان نهاد و او را پادشاه خواند و بدین ترتیب انتخاب احمدخان به عنوان تقدیر آسمانی و الهی تلقی گردید، برخی از مورخین معتقدند این درویش با توافق قبلی با شخص احمدخان به این عمل اقدام نموده بود.

۲ نورمحمدخان علیزایی، در سپاه نادر مقامی بالاتر از احمدخان سدوزایی داشت و پیش از آن که شورای نادرآباد، ریاست خوانین افغان را به احمدخان بسپارد، عهده‌دار این منصب بود.

۳ ناصرخان حاکم کابل و پیشاور بود که همراه تقی خان شیرازی صاحب اختیار مالیات دولت افشاری بی‌خبر از مرگ نادر، در راه رسیدن به درگاه نادری وارد قندهار شد. احمدخان دستور دستگیری آنان و مصادره اموالشان را صادر کرد و با ذوب کردن طلاهای به دست آمده، نخستین سکه‌های حکومت خویش را ضرب کرد.

۴ برای اطلاعات بیشتر از محل تولد منشی جامی بنگرید به: تاریخ احمدشاهی، تصحیح دکتر غلامحسین زرگری نژاد، ص ۲۲ و ۳۹  
۵ محمدتقی خان شیرازی بیگلربیگی نادرشاه افشار بود که چند بار علیه شاه افشاری شورش کرد و معزول شد، اما مورد لطف نادر قرار گرفت و مستوفی‌الممالک نادر شد، وی پس از مرگ نادر بی‌خبر از قتل او، در راه رساندن مالیات به دربار وی، وارد قندهار شد و توسط احمدخان درانی دستگیر گردید، وی پس از آن واقعه در خدمت خان درانی باقی ماند و به صاحب اختیاری ولایات خراسان منصوب شد.

۶ همان؛ تصحیح زرگری نژاد، ص ۵۱، تصحیح سرور مولایی، ص ۴۳

۷ همان؛ همان جا.

۸ همان؛ همان جا.

۹ همان؛ همان جا.

۱۰ همان؛ تصحیح زرگری نژاد، ص ۳۲۹، تصحیح سرور مولایی، ص ۲۷۴

۱۱ همان؛ تصحیح زرگری نژاد، ص ۶۳۸، تصحیح سرور مولایی، ص ۵۵۶

۱۲ همان؛ تصحیح زرگری نژاد، ص ۵۴، تصحیح سرور مولایی، ص ۴۷

۱۳ برای اطلاع بیشتر از منقح‌نویسی و رستاخیز ادبی بنگرید به: مجله تخصصی گروه تاریخ، سال دوم، شماره یکم، ۱۳۸۰، مقاله خاوری شیرازی و تثبیت مکتب تاریخ‌نویسی استرآبادی، دکتر غلامحسین زرگری نژاد

۱۴ همان؛ تصحیح زرگری نژاد، ص ۲۶۲-۲۶۳، تصحیح سرور مولایی، ص ۲۱۷-۲۱۸

۱۵ القاره: ۵

۱۶ البقره: ۱۹

۱۷ همان؛ تصحیح زرگری نژاد، ص ۱۹۹، تصحیح سرور مولایی، ص ۱۶۵

۱۸ همان؛ تصحیح زرگری نژاد، ص ۴۳۶، تصحیح سرور مولایی، ص ۳۶۵